

### متن پرسش

سلام علیکم در بحث معاد روشن شد که : (مبدا بهشت جسمانی اعمال صالحه از قبیل نماز و روزه و حج و جهاد و کسب اخلاق فاضله و ملکات کامله است.) -آیا منظور از اعمال صالحه همان انجام دادن دستورات فقهی(احکام شریعت) می باشد؟ -اگر منظور این نیست، پس احکام چه نقشی در سلوک انسان دارند؟ باتوجه به این مقدمه و اینکه بنده طلبه پایه پنج هستم و در حال خواندن اصول و لمعه هستم ، در بسیاری از احکام میبینیم که به خاطر تفاوت مبنا باعث می شود که کلا نظر دو مجتهد باهم فرق دارد، و مقلدین هم وظیفه دارند طبق نظر مرجع خود این احکام را انجام دهند.(در صورتی که در این موارد حکم واقعی معلوم نیست و مطمئنا یکی از دو نظر با حکم واقعی مخالف است) نمیدونم خوب تبیین کردم که شما متوجه این اشکال بشوید. حال وظیفه کسی که باید برای سلوک خود این احکام را انجام دهد چیست؟ #درد و دل# ما وقتی این اشکالات را به اساتید فقه و اصول عرض میکنیم به ما میفرمایند که در فقه جای عقل نیست و باید تعبد داشت. چون بنده خیلی وقت هست که با آثار شما انس دارم و شما ما را به تعقل دعوت میکنید به خاطر همین در بسیاری از این موارد واقعا متحیر می شویم. استاد لطفا من را دعا کنید.

### متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیکم السلام: بزرگان دین فقه را سه قسمت می‌کنند؛ فقه اکبر در عقائد و فقه اوسط در اخلاق و فقه اصغر در احکام و مسلم جمع این سه، دینداری انسان را تشکیل می‌دهد. حال اگر شما با عقاید پاک و اخلاق فاضله طبق وظیفه و مطابق نظر مرجع تقلید خودتان عملی را انجام دهید به اعتبار آن که در زمان غیبت راه رسیدن به وظیفه‌ی عملی، رجوع به فقهاست، وظیفه‌ی خود را انجام داده‌اید. در این مورد موضوع تبعیت حکم مولی مطرح است که موجب تقویت بندگی ما می‌شود غیر از موردی است که در فقه اکبر و فقه اوسط مطرح می‌باشد که یکی نظر به واقعیت دارد و دیگری نظر به نفس ناطقه‌ی انسان. در ضمن در مباحث اصولی که در آینده با آن‌ها بیشتر مواجه خواهید شد می‌بینید که از مسائلی تحت عنوان «مصلحت تسهیل» و «مصلحت سلوکیه» و مانند آن بحث می‌شود و پاسخ سؤالات را بیشتر خواهید یافت. موفق باشید.